بیانات رهبر معظم انقلاب اسلامی در دیدار با کارگران - 6 /اردیبهشت/ 1385

بسم اللّه الرّحمن الرّحیم

به همه ی برادران و خواهران عزیز کارگر، به خصوص برادران و خواهرانی که از راه های دور و شهرهای دیگر تشریف آورده اند، خوش آمد عرض می کنم و هفته ی کارگر را - که بهانه ای است برای ما تا به جامعه ی کارگری کشور عرض ارادت بکنیم - به همه ی شما تبریك عرض می کنیم.

جامعه ی کارگری کشور از آغاز انقلاب تا امروز، امتحان خوبی در مقابل خدا و مؤمنین و فرشتگان مقرب الهی - کرام الکاتبین - از خودشان نشان داده اند ؛ هم در مبارزات اخیر منتهی به انقلاب، هم قبل از دوران جنگ (آن وقتی که گروه های سیاسی معارض، خودشان را آماده کرده بودند برای اینکه در مجموعه ی کارگری کشور نفوذ کنند و جلو حرکت نظام جمهوری اسلامی را بگیرند، کارگرها بودند که با مشت بر سینه شان کوبیدند و آنها را از سر راه دور کردند ؛ این را من از نزدیك خودم شاهد بودم، حکایت و روایت نیست.) و چه در دوران جنگ که در کنار قشرهای مختلف شهری، روستائیان، دانشجویان، علما و روحانیون، کارمندان ادارات، پیشه وران و کسبه، دوش به دوش هم در این صفوف بسیار دشوار و خطرناك دفاع از کشور و انقلاب، کارگرها ایستادند و امتحان دادند ؛ هم در خود میدان جنگ و هم در کارخانه که پشت جبهه ی واقعی بود و عقبه ی جنگ بود. اگر یك روزی نویسندگان منصفی بخواهند این خط ممتدّ نظام جمهوری اسلامی را در این بیست و چند سال درست ترسیم کنند، آن وقت معلوم می شود که کارگران کشور ما برای انقلاب چه کرده اند و خودشان را چطور به تکلیف الهی پیوند زده اند و پیش خدای متعال خودشان را روسفید کرده اند. کار بزرگی بود ؛ امروز هم همین طور است.

در باب مسائل کارگری، اگر ان شاءاللّه همین حرفهایی که وزیر محترم بیان کردند، با پشتکار این دولت به مرحله ی عمل دربیاید، اکثر مشکلات حل خواهد شد ؛ منتها توجه کنند در مرحله ی حرف نماند، دنبال بشود که این کارها عملی شود. مشکلات مربوط به خصوص قشر کارگر، این چیزهایی که به معیشت کارگران یا به حرمت کارگر، احترام کارگر یا به مهارت کارگر یا به امنیت شغلی کارگر مربوط می شود، این چیزها را که ما می فهمیم و مسئولان دولت بحمداللّه شناسایی کردند، اینها را با جدیت دنبال کنند. این مشکلات و گره هایی که از ناحیه ی مسائل تأمین اجتماعی یا از ناحیه ی قراردادهای موقت و امثال اینها و یا از ناحیه ی ضعف مدیریت بعضی از مدیران کارخانجات - که منجر به بیکاری کارگر می شود - پیش می آید، اینها را یکی یکی با حوصله، با تدبیر و با پیگیری مستمر حل و باز کنند، مشکلات جامعه ی کارگری حل خواهد شد.

یك مسئله مربوط به روابط و احساسات کارگر و کارفرماست. این روابط در اسلام، برخلاف روابط کارگر و کارفرما در مکاتب مادی است. در مکاتب مادی، چه مکتبهای سرمایه داری - که یکسره طرفدار سرمایه دارند و به کارگر مثل ابزار کار و ماشین نگاه می کنند - و چه در مکتب کمونیسم - که خود را طرفدار قشر کارگر می دانستند و وانمود می کردند که بهشت را برای کارگران در همین دنیا به ارمغان خواهند آورد و عملکردشان نشان داد که دوزخ زندگی را، نه فقط بر کارگر، بلکه بر دیگر قشرهای جامعه ملتهب تر می کنند - در هر دو نظام (چه نظام سرمایه داری و چه نظام کمونیستی) رابطه ی کارگر و کارفرما، رابطه ی خصمانه است. در نظام سرمایه داری، رابطه، رابطه ی استثمارگری و فشار کار از آن ناحیه است ؛ در نظام کمونیستی هم کارفرما را مثل یك شیطان مجسم و یك هیولائی تصویر می کردند ؛ علتش هم این بود که می خواستند زمام همه ی منابع تولید و کارخانه ها را به دست دولت بدهند و خودشان بشوند کارفرمای بزرگ. همین کار را هم کردند و همین هم پدرشان را درآورد و نابودشان کرد ؛ هم خودشان

را نابود کرد و هم ملتهایشان را به خاك سیاه نشاند.

در اسلام این طوری نیست ؛ در اسلام رابطه ی کارگر و کارفرما، رابطه ی دو تا دشمن نیست، رابطه ی دو تا همکار است ؛ رابطه ی استثمارگری هم نیست ؛ یعنی کارفرما سلطان کارگر نیست. در نظام سرمایه داریِ غربی، مالك امور، کارفرماست ؛ حالا برای مصلحت ممکن است یك امتیازاتی هم برای کارگر قائل شود تا کار او را از دست ندهد ؛ اما رابطه این است، او مثل ابزار کار است. نگاهش به کارگر، نگاه به یك انسان نیست، نگاهِ مثل یك ماشین است. اسلام این را قاطعانه رد می کند. کارگر و کارفرما دو عنصرند، هر کدام نباشند، کار زمین است. کارگر آن کسی است که بالمباشره کار و محصول کار را تولید می کند ؛ کارفرما آن کسی است که زمینه ی این تولید را فراهم می کند. او تولیدکننده ی کار و محصول کار است ؛ این فراهم آورنده ی زمینه و کارآفرین است. او هم نباشد، کار لنگ می شود ؛ این هم نباشد، کار لنگ می شود ؛ مثل دو شریك، مثل دو همسنگر. این نگاه اسلام است. هر دو باید نسبت به هم صداقت و محبت و صفا داشته باشند ؛ هم کارفرما نسبت به کارگر، هم کارگر نسبت به کارفرما. حق هر کدام به وسیله ی آن دیگری رعایت شود. اگر این شد، که این نگاه اسلام است ؛ هم حرمت سرمایه گذار و کارآفرین و کارفرما باقی و محفوظ می ماند ؛ هم حرمت کارگر و کننده ی کار و حاضر در صحنه. حرمت و حق هر دو محفوظ است و کشور هم به سوی اعتلا پیش می رود. رابطه ی کارگر و کارفرما این است. کارگران قدر کارفرماها را بدانند، کارفرماها هم قدر کارگران را بدانند ؛ مثل دو همسنگری که اگر هر کدام آسیب ببینند، آن دیگری هم آسیب خواهد دید ؛ مسئله این است. تنظیم این روابط هم به عهده ی مسئولان کشور است ؛ چه آنهایی که قانون می گذارند و چه آنهایی که قانون را اجرا می کنند. این هم یك مطلب است که باید مورد توجه باشد.

یك مطلب دیگر این است که همه ی کارگرها - چه کارگران ماهر و تحصیل کرده ی سطح بالا، چه کارگران متوسط و چه کارگران ساده ی معمولی - این نکته را باید بدانند که خود نفس «کار» از نظر اسلام، عمل صالح است. این که «انّ الانسان لفی خسر الاّ الّذین امنوا و عملوا الصالحات» ؛ این عمل صالحی که انسان را از خسران خارج می کند، این فقط نماز خواندن و روزه گرفتن و زیارت رفتن و ذکر گفتن نیست ؛ آنها هم هست ؛ اما کار وظیفه ی زندگی را خوب انجام دادن هم عمل صالح است و یکی از مهمترینهایش «کار» است.

در روایت وارد شده است که اگر پیغمبر می دید یك آدم جوانی و قادر بر کاری نشسته است، تنبلی می کند و کار انجام نمی دهد، می فرمود: «سقط من عینی» ؛ از چشمم افتاد. کار، عمل صالح است. شنیده اید، پیغمبر دست این صحابی را دید زمخت و پینه بسته است ؛ گفت: چرا دستت این طور است؟ گفت: یا رسول اللّه! من با این دست کار می کنم. پیغمبر این دست را گرفت و بوسید و فرمود: «هذه ید لا تمسّه النار» ؛ آتش، این دست را لمس نمی کند. عمل صالح بالاتر از این؟! این طوری کار کنید. وقتی به کارگاه می روید، وقتی به مزرعه می روید، وقتی به محیط کار می روید، از هر نوع کاری که اسمش «کار» است ؛ چه آن کار کارگر ماهر و متخصص سطح بالا - که امروز بحمداللّه کارگران ماهر متخصصِ سطح بالا ما در کشور کم نداریم - چه کارگران متوسط و چه کارگر ساده - آن کارگر ساده هم عیناً همین طور است - وقتی پای ماشین می رود یا در هر نقطه ای از نقاط کارخانه که می خواهد مشغول کار شود، بداند این کاری که امروز او می خواهد بکند، کاری است که خدای متعال برای این کار به او ثواب و اجر خواهد داد. نفس کار ارزش دارد ؛ غیر از اینکه «کار» وسیله ی اعاشه و درآمد زندگی است ؛ که آن هم به جای خود مطلب مهم و عبادت دیگری است.

شما ببینید اگر در یك کشوری جامعه ی عمومی آن کشور به کار با این چشم که کار عبادت است، نگاه کنند آن وقت وضع پیشرفت اقتصادی و علمی آن کشور به کجا خواهد رسید. این منطق اسلام است. لذا اگر ما نسبت به کارگر در هر سطحی احساس ارادت و محبت می کنیم، این گزاف نیست ؛ این به خاطر آن است که پشت این احساس محبت

و احترام، يك چنين فرهنگ عميق و غنى اسلامى اى وجود دارد.

ما الحمدللّه جامعه ى كارگرى مان اين است. البته ما در كشور مشكل اشتغال داريم و اين مشكل بيكارى در كشور، بايد ان شاءاللّه با تلاش دولت و اين مسئولان خدمتگزار - كه من مى بينم اينها شب و روز نمى شناسند و دائم مشغول كارند - و با تدبير اينها به تدريج، بكلى محو بشود. اين بيكاريهاى عارضى اى هم كه پيش مى آيد كه عرض كرديم بعضى از كارخانه ها بر اثر ضعف مديريت يا بى كفايتى مدير يا بعضى انگيزه هاى خداى نكرده سودجويانه، كارش به جايى مى رسد كه كارگر را محروم و بيكار مى كند ؛ اينها را بايد آقايان دنبال كنند و بايد برداشته شود. جامعه ى ما تاب تحمل اين مشكل را ندارد. ما داريم الان از يك سراشيب تندى با قوّت و قدرت بالا مى رويم ؛ ما الان متوقف نيستيم. جامعه ى ما، يك جامعه اى است كه دارد با قدرت پيش مى رود. مستكبرين عالم را مى بينيد كه چطور دارند يقه شان را پاره مى كنند! اين حرفهايى كه امثال بوش و اطرافيان او مى زنند، اينها يقه پاره كردن است، دارند يقه ى خودشان را پاره مى كنند. اين به خاطر همين است كه شما داريد با قدرت تمام پيش مى رويد. جامعه ى ايرانى توقف نكرده است. انقلاب آمد، راه را باز كرد و به اين قدرت اعتماد به نفس افزود. در قبل از پيروزى انقلاب، هم راهها را مى بستند و هم انگيزه ها را سست مى كردند و مى گفتند آقا! ايرانى كه نمى تواند، ايرانى كه عرضه ندارد ؛ اين را بزرگانشان مى گفتند و صريحاً هم مى گفتند. مى زدند توى سر اين نسل بارآور و اين استعداد جوشان ؛ كه يكى از بزرگ ترين خيانتهاى آنها اين است. انقلاب آمد، هم راه را باز كرد و هم گفت آقا! شما مى توانيد. رفتيم ديديم راست مى گويند، «توانستيم». اين كشورى كه در طول سال هاى متمادى، فقط چند سد در اين كشور ساخته شده بود، آن هم همه اش به دست بيگانه ها ؛ چه كسى باور مى كرد كه اين كشور در سدسازى در كل منطقه، از لحاظ فناورى و توانايى و قدرت علمى و قدرت محاسبه و امثال اينها اول بشود! اين كشورى كه اكثر مناطقش از نيروى برق معمولى محروم بودند، چه كسى باور مى كرد حالا در يك راهى بيفتد كه انرژى و فناورى هسته اى را - آن هم خودش، نه از ديگران وام بگيرد - فراهم كند، براى اينكه بتواند انرژى خودش را از اين شيوه ى پيشرفته ى دنيا تهيه كند! چه كسى فكر مى كرد؟! رفتيم، ديديم مى شود رفت ؛ اقدام كرديم، ديديم مى توانيم. اين ملت اين تجربه را دارد. بعد از اين هم همين طور است.

همه ى جوان هاى كشور، همه ى صاحبان فكر و تدبير و همه ى پيرهاى كشور، زن و مرد، بايد همت كنند در اين حركت عظيم و همگانى اين ملت، خودشان را سهيم كنند و مى شود. شما هر جا هستيد و هر جا مشغول كاريد، بدانيد همان جا يك گوشه اى از اين جبهه ى وسيع است ؛ اگر همان جا خوب و منضبط و وفادارانه و با مهارت كار كنيد، در اين جبهه اثر گذاشته ايد. و دشمن اين را نمى خواهد ؛ اين را هم توجه داشته باشيد. دشمنان ما و استكبار خبيث جهانى فهميده اند كه با ملت و جمهورى اسلامى ايران در ميدان جنگ نظامى نمى شود وارد شد ؛ برايشان خسارت هاى زيادى دارد و درست هم هست و اين را درست فهميده اند. دارند بودجه مى گذارند و سعى شان اين است كه داخل قشرهاى مردم - در بين دانشجوها، در بين كارگرها، در بين دستگاه هاى اداري، در بين كارمندها و در بين قشرهاى مختلف - اختلاف ايجاد كنند تا نگذارند كشور اين راهى را كه دارد طى مى كند، اين راه را طى كند. امروز دشمن دنبال اين است. همه بايد هوشيار باشند. تكليف الهى بر دوش همه ى ما اين است كه هر كدام، هر جا هستيم، چشم و گوشمان را از هميشه بيشتر باز كنيم و ببينيم دشمن براى اين نقطه اى كه ما قرار داريم، چه طراحى اى كرده است ؛ نگذاريم او در اين طراحى كامياب شود ؛ اين وظيفه ى ماست.

يك وقتى نظام جمهورى اسلامى و ملت ايران را به حمله ى نظامى، جنگ و اين چيزها تهديد مى كردند، حالا هم گاهى مى كنند، نه اينكه نمى كنند ؛ اما خودشان مى دانند كه اين كار برايشان چقدر خسارت دارد، و من حالا مى گويم ؛ اين مسئولان امريكايى براى اينكه كارهاى خودشان را پيش ببرند - هميشه اين طور است ؛ نه با ما، با همه ى دنيا - زبان تهديدشان هميشه باز است و تهديد مى كنند. بعضى از دولتها و ملتها هم دچار ضعف نفسند و در مقابل

تهدید اینها خودشان را رها می کنند و تسلیم می شوند ؛ اینها هم تشویق می شوند به اینکه همیشه تهدید کنند. یك ملت بیدار، یك ملت دارای اعتماد به نفس و یك ملت عازم و مصمم، به این تهدیدها اعتنایی نمی کند ؛ مسئولانش هم همین طور. دولتی که به مردم متکی است، نظامی که به وسیله ی خودِ مردم حمایت و حفاظت می شود، او از تهدید واهمه ای نمی کند. من الان اینجا می گویم: امریکاییها بدانند، اگر تعرضی به ایران اسلامی بکنند، ایران اسلامی به منافع آنها در هر نقطه ی عالم که امکان داشته باشد، لطمه وارد خواهد کرد. ما آن آدمهایی نیستیم که بنشینیم کسی ضربه بزند، جواب ضربه ی او را ندهیم ؛ ما اهل صلحیم، اهل آرامشیم و به کسی تعرض نمی کنیم ؛ دلیلش هم واضح است، ببینند ؛ ما به کدام کشور حمله کردیم؟ ما با کدام کشور جنگ شروع کردیم؟ ما کدام کشور را تهدید کردیم؟ ما اهل این چیزها نیستیم ؛ اما اهل این هستیم که اگر کسی ضربه ای بزند، ضربه ی او را با دوچندان شدت، پاسخ بدهیم.

به شما برادران و خواهران عزیز عرض بکنیم ؛ بهترین راه مبارزه ی با استکبار و دشمنان، همین است که ما در ساختن و پیشرفت کشورمان، هر چه می توانیم سعی کنیم ؛ پیشرفت علمی، پیشرفت فناوری، پیشرفت اخلاقی، همبستگی ملی و محکم کردن پایه ی ایمان و انگیزه های معنوی ؛ هر چه که در این چیزها ما پیشرفت کنیم، دشمن بیشتر عقب می نشیند و این مهمترین مبارزه ی ملت ایران است.

از خداوند متعال مسئلت می کنیم به همه ی شما و ما توفیق بدهد بتوانیم وظایفی را که بر دوش داریم، آنها را به خوبی انجام بدهیم و قلب مقدس ولی عصر (ارواحنافداه) را از ما راضی و خشنود بکند و روح مطهر امام و شهدای عزیز را - که هر چه داریم از آنها داریم - از ما راضی و خشنود کند.

والسّلام علیکم و رحمةاللّه و برکاته